

انرژی خوش مزه

مونسادات خضرای
تصویرگر: مطهره پلاسی زاده



۱ کاش این خوراکی‌های خوش مزه را می‌خوردیم، اما هیچ آشغالی تولید نمی‌شد!

۲ این هم یک آشغال دیگرا!



۱ کاش این خوراکی‌هایمان هیچ وقت تمام نمی‌شدند!

۲ راست راستی چقدر خوب بود!



۱ ببخشید جناب اتم! چه اسم عجیبی! شما به چه دردی می‌خورید؟

۲ من سال‌ها با دانشمندان مهمی در کشورمان دوست بودهام. آن‌ها توانسته‌اند یک انرژی خیلی قوی از دلم بیرون بیاورند، به اسم انرژی هسته‌ای.

۳ خب، این انرژی به چه درد ما می‌خورد؟

۴ عمومیم می‌گوید این انرژی تمام نمی‌شود. تازه، آلودگی سوخت‌های فسیلی مثل نفت و بنزین را هم برای زمین و هوا ندارد.



۱ بچه‌ها، امروز یک مهمان ویژه داریم که این روزها درباره‌ی انرژی آن زیاد شنیده‌ایم. ایشان جناب اتم هستند. از جناب اتم سؤالی ندارید؟

۲ آقا ایشان سیب ورزشکار هستند؟!



۱ بچه‌ها، می‌خواهم یکی از دوستان صمیمی‌ام را که سال‌های سال همراه هم بودیم، معرفی کنم؛ کسی که رژیم صهیونیستی با نامردی او را شهید کرد تا جلوی پیشرفت ما را بگیرد.

۲ من هم

۳ من هم

۴ من هم

۲ من هم می‌خواهم رفیق صمیمی جناب اتم شوم؛ شبیه دانشمندان هسته‌ای ایرانی.



۱ ما با این انرژی می‌توانیم آب شور دریا را به آب شیرین تبدیل کنیم. برق خیلی زیادی تولید کنیم. داروی جدید کشف کنیم. از آلودگی هوا هم بکاهیم.

۲ به به! فکر کنم با انرژی هسته‌ای بشود خوراکی‌های خوش مزه تولید کرد!